

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد طاهر - امریکا

۲۵ جولای ۲۰۲۲

جنبش زنان و طالبان

بخش ۱۴

در بخش ۱۳ این بحث در جمع اقدامات سلطنت امیر عبدالرحمن خان ، یکی هم «ممنوعیت برده داری» بود که در یادداشت پورتال «افغانستان آزاد-آزاد افغانستان» ، بر آن انتقاد صورت گرفته بود. البته نظر پورتال در مورد آن زمامدار کاملاً بجاست. باید تصحیح کرد که خرید و فروش برده داری را ممنوع کرد که در « تاج التواریخ » درج است، و بطور مختصر در جمله ای اقدامات امیر عبدالرحمن خان شمرده شده است.

تاریخ شاهد است که امیران ، سلاطین و رؤسای جمهور ، حکومت های استبدادی و صاحب اختیار مطلق ، با صدور فرمان ، دستور نامه و یا صحبت زبانی (نطق) بعضی آزادی های کوچک را برای مردم نوید داده و در عمل اجرا می نمایند تا دل مردم را خوش ساخته و مجذوب خود و نظام استبدادی شان سازند. البته این مستبدین تاریخ با دادن لقمه ای کوچک به خورد مردم استبداد دیده ، آب روی آتش خشم توده ها می ریزند و در پهلوی دیگر خود ناقض آن فرامین و دستور نامه ، قانون و تعهد لفظی شان می گردند.

امیر عبدالرحمن خان هم با این شیوه سلطنت کرد، چنانکه در « تاج التواریخ» می نویسد « رسم وحشیانه غلامی را از میان برداشته و متروک ساخته ام ... خرید و فروش بنده (برده) قانوناً ممنوع می باشد و غلام ها و کنیز های که در خانه های مردم می باشند و سابقاً همیشه بنده بوده اند ، حالا از اجزای خانواده مالکین خود محسوب می شوند... به اشخاصی که اسیر را به طور غارت در جنگ گرفته و مستحق بودند که غنیمت خود را برای خود نگاه دارند، معاوضه نقدی داده و اسراء را مستخلص نموده آنها را آزاد کردم. صفحه ۳۶۲ و ۳۶۳ »

فیض محمد کاتب در جلد سوم سراج التواریخ صفحه ۹۳۷ ، فرمان دیگر امیر در رابطه به برده داری را چنین می نویسد « اگر مردم هزاره بخواهند زن و دختر و پسر خود را بفروشند، به سجل و مهر قاضی و حاکم هر قدر که می خواهند غلام و کنیز خریده، ده یک بهای آن را محصول به دولت بدهند... » /همین تذکر "کاتب" خود گواه بر آن است که در افغانستان زمان امیر عبدالرحمان خان نه تنها "برده داری" به مثابه یک نظام ملغا اعلام نشده بود، بلکه خرید و فروش برده نیز یک امر قانونی و رسمی بود که دولت بابت آن "عشر" یا به زبان امروزی مالیات ده یک خود را نیز می گرفت.

این که امیر از آزاد سازی و حتا ازدواج تعدادی از غلامان و یا کنیز ها یاد می کند، منظور "امیر" برخورد نسبت به "غلام بچه های درباری" است که آنها عمدتاً فرزندان خوانین و حتا رقبای "امیر" بودند که به صورت گروگان به نام "غلام بچه" در دربار زندگانی می نمودند. بحث در مورد این قشر اجتماعی که زندگانی پر از فراز و نشیبی در دربار ها داشتند و در کنار آن که صد ها و هزاران تن از آنان بی نام و نشان دفن شده اند کسانی چون "سبکتگین" اساس یک سلطنت را گذاشته اند، بحث کاملاً جداگانه ایست که در چوکات "الغای برده داری" نمی گنجد.

هرگاه بپذیریم که آنچه به نام "تاج التواریخ" نشر شده، واقعاً نگاشته امیر عبدالرحمان خان است و کس و یا کسان دیگری این کتاب را به نام وی تحریر نکرده اند، می شود گفت: خلط بحث میان برخورد با "غلام بچه های دربار" با مناسبات برده داری، اگر از روی نادانی "امیر" به وجود نیامده باشد، دروغگویی و عدم صداقتش را در بیان امور بازتاب می دهد. - پورتال/

بحث این نوشتار روی مباحث بالا نیست، بیشتر کوشیده می شود که در مورد زنان و دوره های تاریخی افغانستان و تحولات و تجدد گرایی که در مرور زمان در این سرزمین رخ داده است مکث داشته باشد.

امیر عبدالرحمن خان مانند امرای گذشته هیچ وقت مطابق عنعنۀ مردسالارانه از زوجات نکاحی خود نام نبرد و اگر هم در بعضی جا ها مجبور شد به ام والدۀ یکی از شاهزادگان یاد نموده است. خانم های (عیال ها) خود را با پوشش نقاب یا حجاب بر صورت، در کالسکه یا گادی های مخصوص به گردش می بُرد. امیر یکی از عیال خود به نام بی بی حلیمه (بو بو جان) را ملکه انتخاب کرد و برایش اختیارات قابل شد، این ملکه که زن فعال در سیاست و خلاف انگلیس ها بود بیشتر به فکر به قدرت رساندن پسرش سردار محمد عمر خان بود. این که چقدر از وضعیت زنان شهر و زنان افغانستان با خبر بود گزارش در دست نیست. امیر از زنان در دایرۀ جاسوسی (را پور چی) حتی در درون حرم سرای خود کار می گرفت. در پهلوی زندان مردانه، زندان های زنانه نیز داشت که در آن اکثر دختران خان ها و ملک های باغی زندانی بودند که مرکز هوس بازی شاهزاده ها و بلند پایه گان دولتی بود.

آیا تحولات و تجدد گرایی در دوره سلطنت شاهزاده های امیر عبدالرحمن خان در افغانستان صورت گرفت، و زندگی زنان در دوره ای آنها چگونه بود؟

امیر حبیب الله خان، برای جبران ظلم پدر، حین جلوس به تخت، به بازرسی و رهائی زندانی های زن و مرد، منع خرید و فروش غلام و کنیز نه آزاد سازی آنها [تذکر این نکته بیانگر آن است که امیر عبدالرحمان خان حتا "خرید و فروش برده" را نیز منع ننموده بود ورنه نیاز نداشت تا پسرش با منع خرید و فروش برده دست به تحصیل حاصل بزند - پورتال]، منع کور کردن، بریدن گوش و دست به استثنای موارد شرعی، دل جوئی از یک عده علمای با نفوذ دینی مخالف پدر، اجازه بازگشت به خانواده های سرشناس (خانواده غلام محمد طرزی، خانواده یحیی خان یا مُصاحبان و خانواده شاغاسی) که در زمان پدرش به خارج تبعید شده بودند، دست به اقدام زد. به تأسیس مکتب حبیبیه و چند مدرسه دینی پرداخت. سلطنت مطلقۀ خود را با تدوین مجلس از افراد ملکی و نظامی، علمای دین، روحانیون و رؤسای قبایل، مشروعیت دینی و شرعی بخشید.

امیر حبیب الله مطابق به اصول شرعی، یکی از زنان خود را طلاق داد تا چهار زن نکاحی داشته باشد. در مورد تعداد زنان نکاحی، صیغه ای و دختران کنیز، امیر حبیب الله خان که شامل اقوام پشتون، تاجیک، نورستانی، هزاره، بدخشی، چترالی می شدند، روایات مختلف وجود دارد. به استثنای زنان نکاحی، دیگران همه بعد از مرگ امیر از ارگ شاهی بیرون رانده شدند و در مناطق مختلف اسکان داده شدند.

امیر در مورد حجاب نیز با فرمانی رنگ چادری دلاق یا برقع را از سفید ابرک ، به رنگ خاکی و عاری از هرگونه زینت تغییر داد. بیرون رفتن زنان از خانه را بدون اجازه مانع و در صورت خلاف محکوم به مجازات کرد. چنان که محمد شریف خان پسر امیر که حاکم کابل بود، زنی را در بازار خلاف فرمان پدرش دید و امر کرد تا او را در جوال انداخته و چوب زنند تا بمرد. سراینده ها و رقاصه های زن را مجبور به توبه کردن و در محله ای به نام خرابات شهر کابل مسکون ساخت. هندو های مرد و زن را مجبور به پوشیدن دستار زرد و برقع زرد کرد. زن را به گناه معاشقه از چشمان نا بینا و مرد را به دار می آویخت.*

امیر حبیب الله خان مناسبات خود را با حکومت انگلیس هند مانند پدر حسنه نگهداشت. بعد از عقد موافقتنامه ۱۹۰۵ که از تحت الحمایگی حکومت انگلیس هند در امور خارجی دولت افغانستان رضایت خاطر حاصل نمود ، دعوت سفر به هند را پذیرفت . امیر با مجذوب شدن تمدن اروپائی بعد از سفر هند در فکر تحول در افغانستان شد تا تغییری در ماهیت وصیت های پدر آورد که در آغاز قدرت با احتیاط آن را تطبیق کرده بود. امیر با این طرز دید سبب ایجاد دو گرایش در دربار گردید، گرایش تمدن غربی و محافظه کارانه ضد انگلیس.

این گرایشات چه تحولات را در قبال خواهد داشت و اثرات آن بر زندگی زنان افغانستان چه خواهد بود؟
ادامه دارد

* قوانینی که طالبان در قرن ۲۱ بر مردم افغانستان اعمال می کنند.

از منابعی که در این نوشته استفاده شده است:

« افغانستان در مسیر تاریخ» میر غلام محمد غبار

« زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد» داکتر سید عبدالله کاظم

« سراج التواریخ » فیض محمد کاتب

دانش نامه ویکی پدیا

۲۳ جولای ۲۰۲۲